

شاخص ولایت

رسانه‌ها و مطبوعات در آینه کلام بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی

❖ به کوشش: محمدرضا مانی‌فر

پژوهشگر و دانشجوی دکتری ژورنالیسم

اشاره

رسانه‌ها را با کارکردهایی مختلف در جامعه می‌شناسند؛ کارکردهایی که گرچه در صورت‌هایی متفاوت بروز و ظهور می‌یابند، اما در بطن خود از سه کارکرد اساسی ریشه می‌گیرند: اطلاع‌رسانی و نظارت بر محیط پیرامون، ارائه آموزش‌های پیدای پنهان و ایجاد بسترها و زمینه‌های تفریح و سرگرمی برای جامعه و مخاطبان، از جمله این کارکردهای اساسی است که همواره و در همه حال در پیش روی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان رسانه‌های فراگیر جمعی چون رادیو و تلویزیون قرار دارد و بسته به توانمندی‌ها و صلاحیت‌های کارگزاران و دست‌اندرکاران در درک و شناخت رسالت‌ها و مأموریت‌های خود در روزگار پرتغییر، می‌تواند به منزله برنده‌ای تأثیرگذار و مهم در نظر آید؛ چرا که تا رسالت‌ها و مأموریت‌ها به درستی تعریف و شناخته نشود و حدود و مرزهای حرکت در مسیر دستیابی به آرمان‌ها و اهداف، به درستی هرچه افزون‌تر، صورت‌های شفاف و همه‌کس‌فهم نیابد، نمی‌تواند به بهره‌گیری مناسب از کارکردهای رسانه‌ای در تحقق «افق رسانه» بینجامد.

بیانات، سخنان و گفتارهای پرمعنا، ژرف و گران‌سنگ بنیانگذار فقید انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از جمله سرچشمه‌های شایسته در تحقق چنین آرمان و هدفی بلند و والا و فراتر از زمان و مکان به نام ساخت «جامعه‌ای سرشار از عطر خوش جهان‌بینی و فرهنگ توحیدی» است.

آنچه در پیش روی شما خوانندگان گرامی قرار دارد، آینه‌ای رسا در درک بایسته‌ها و رسالت‌های رسانه‌ها و مطبوعات از نگاه فرازمانی و فرامکانی آن پیر سفرکرده منزل‌گرفته در جوار جاودانی رحمت الهی است. باشد تا با تلاش و همت مضاعف دست‌اندرکاران سیاستگذار، برنامه‌ریز و برنامه‌ساز، مصداقی بارز بر این بیت نغز به شمار آید که:

هم به قدر تشنگی باید چشید

آب دریا را اگر نتوان کشید



• قلم و بیان باید در خدمت تعالی اسلام، کشور و ملت باشد

به آن دسته از تحصیل کردگان و روشنفکران و دانشمندان که به مرض غرب و شرق زدگی مبتلا نیستند و حاضر نیستند شرف اسلامی، ملی و میهنی خود را فدای امیال قدرتمندان کنند یا در راه لذات و شهوات زودگذر فدا نمایند، عرض می‌کنم همت بگمارید که قلم و بیان خویش را برای تعالی اسلام و کشور و ملت خود به کار گیرید و با توده‌های محروم همصدا و همدست شوید که آزادی از چنگال شرق و غرب را که امروز نصیبشان شده حفظ کنید و در این خدمت از هیچ کوشش و مجاهده‌ای دریغ ننمایید که برای هیچ یک از ملت‌های جهان این فرصت نبوده است و یا برای کمتر ملتی این فرصت پیش آمده است. خداوند همه ما را توفیق شناخت وظیفه، عنایت فرماید.^۱

• حرکت در مسیر خواست ملت، باید اساس کار مطبوعات و رسانه‌ها باشد

به طور کلی در هر کشوری مطبوعات آن کشور و تلویزیون و رادیو آن کشور باید در مسیر آن ملت و در خدمت ملت باشند. مطبوعات باید ببینند که ملت چه می‌خواهد، مسیر ملت چیست، روشننگری از این طریق داشته باشند و مردم را هدایت کنند.^۲

• شغل نویسندگی برای افراد شایسته یک واجب کفایی است

گویندگانی که هر جا ما داریم، در سرتاسر کشور، چه گویندگانی که از طبقه روحانی هستند و اهل منبر و چه گویندگانی که از سایر طبقات هستند و نویسندگان در هر جا که هستند، چه در حوزه‌های علمیه و چه در دانشگاه‌ها و چه در سایر جاها هستند، باید با گفتار و نوشتار خودشان به این کشور خدمت کنند. عذر نیست برای آنها که چون من وارد به یک شغلی نیستم. پس نویسندگی هم نکنم. شغل، امروز یک امری است که برای آن اشخاصی که شایسته هستند و ایران احتیاج به آن شغل‌ها دارد، واجب کفایی است.^۳

• مسئولیت بزرگ شما قلم‌هایی است که در دستان شماست

مسئولیت بزرگ شما امروز قلم‌هایی است که در دست شماست. اداره شما مثل یک اداره دولتی نیست که هر چه در آن واقع شود در همان جاست؛ مگر گاهی به مردم بگویند، اما قلم‌ها اگر

لغزش پیدا کنند یک ملت را می‌لغزاند. رادیو و تلویزیون، دستگاهی است که اگر فاسد باشد یک ملت را فاسد می‌کند. الآن همه، رادیو را گوش و تلویزیون را نگاه می‌کنند. معصیتی اگر اتفاق بیفتد، در محضر همه مردم است. اگر خدای نخواسته قلم‌های شما بلغزد و از تعهدی که برای خدای تبارک و تعالی باید داشته باشید غفلت بکنید، این جور نیست که تنها به شما و دوستان و هم مذهب و هم دین شما ضرر بزند؛ به همه ضرر می‌زند، پس یک ضرر کوچک نیست. شما که روزنامه کثیرالانتشاری در دستان است باید توجه کنید که مسئولیت بسیار خطیری پیش مردم و ملت‌های جهان دارید که اگر ارشاد کنید مردم را، بالاتر از اطاعت‌هایی است که در گوشه خانه و یا یک مجلسی که چند هزار نفر هستند، می‌باشد. قلم شما، اگر ارشادی باشد، ملت را به راه راست هدایت می‌کند و می‌تواند مردم را از انحرافات نجات دهد.^۴

• این قلم که در دست شماست در محضر خداست

در نوشته‌هایتان به خدا توجه داشته باشید. بدانید که این قلم که در دست شماست در محضر خداست و اگر هر کلمه‌ای نوشته شود، بعد سؤال می‌شود که چرا این کلمه نوشته شده است. اگر به جای این کلمه بشود یک کلمه خوب‌تر نوشت، از شما سؤال می‌کنند چرا این کلمه زشت را نوشته‌اید. ان شاء الله خداوند همه ما را تأیید کند. موفق باشید.^۵

• قلم باید در خدمت تربیت بشر باشد

قلم به دست بگیرید برای تربیت بشر. آن قدری که بشر از قلم‌های صحیح نفع برده است، از چیزی دیگر [نفع] نبرده است و آن قدر که ضرر کشیده است، از چیزهای دیگر [ضرر] نبرده است. قلم‌ها و بیان‌ها با مغزهای مردم رابطه دارند. اگر قلم‌ها و بیان‌ها و علم‌ها و تعلیم‌ها و آموزش‌ها برای خدا باشد، مغزها را الهی تربیت می‌کنند و اگر چنانچه برخلاف این باشد، مغزها، مغزهای غرورمند، مغزهای طاغوتی از آن پیدا می‌شود.^۶

• معیار ارزش قلم

عمده آن جهت و غایاتی است که در افعال انسان و در آلتی که انسان درست می‌کند و در علم و دانش و سایر چیزهایی که افعال انسان است، آن چیزی را که جهت می‌دهد آن غایات

است، آن چیزهایی است که برای آن چیزها قلم‌ها وجود پیدا کرده است، مسلسل‌ها وجود پیدا کرده است، علم و دانش وجود پیدا کرده است. اگر غایات و مقاصد و آن چیزهایی که برای او، اینها وجود پیدا کرده است الهی باشد، هم قلم و هم مسلسل و هم علم و دانش و هم هر عملی ارزش پیدا می‌کنند، ارزش الهی.

ارزش قلم به غایتی است که برای او قلم زده می‌شود. ارزش مسلسل هم به غایتی است که برای او مسلسل کشیده می‌شود. اگر این ارزش غایی نباشد و اگر آن مقصد، مقصد انسانی و الهی نباشد، نه مسلسل آلتی است که به درد بخورد و نه قلم، و خطر قلم بیشتر از مسلسل است و خطر بیان بیشتر از توپ و تانک است و خطر علم بیشتر از همه اینهاست. لکن اگر چنانچه به خدمت خلق باشد و به دستور انسان باشد و در خدمت انسان باشد و در خدمت خدای تبارک و تعالی باشد، تمام اینها ارزش پیدا می‌کنند. مسلسل هم همچون قلم می‌شود، و قلم هم همچون مسلسل. باید بشر به فکر این باشد که آن چیزهایی که مقصد است و برای تربیت انسان است، برای آموزش انسان است، برای تعلیم انسان است، جهت به آن بدهد.^۷

• قلم‌های مسلسل‌ساز

قلم‌ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتند، مسلسل‌ها کنار می‌رود و اگر برای خدا و برای خلق خدا نباشد، مسلسل‌ساز می‌شود. ابزار کوبنده انسان با دست قلم‌دارها و با دست علمایی که در همه دانشگاه‌ها هستند، با دست آنها وجود پیدا کرده است و همه ترقیبات بشر هم با دست علما و بیان و قلم علما وجود پیدا کرده است.^۸

• امیدواریم بشر مسلسل‌ها را به قلم

تبدیل کند

ما امیدواریم که بشر به رشدی برسد که مسلسل‌ها را به قلم تبدیل کند. آن قدری که قلم و بیان به خدمت بشر بوده است، مسلسل‌ها نبودند. مسلسل‌ها غالباً در خدمت ابرقدرت‌ها بودند و برای تباهی بشر بوده‌اند و اسلام هم که امر فرموده است به این که جهاد بکنند و دفاع بکنند و البته محتاج به همه ابزار جنگی است. اساس بر این است که دفاع از حق بکنند و حق را و علم را جانشین مسلسل بکنند. قلم و علم و بیان است که می‌تواند بشر را بسازد، نه مسلسل و نه سایر قوای تخریب‌کننده.^۹

• استفاده از قلم در راه آزادی ملت و نشر فرهنگ اسلامی باشد

آقایان، شما نویسندگان الآن تکلیف بسیار بزرگی به عهده‌تان هست. پیشتر قلم شما را شکستند، الآن قلم شما باز است، لکن استفاده از قلم، در راه آزادی ملت، در راه تعالیم اسلامی بکنید. این ملت که می‌بینید، تمامشان زیر بیرق اسلام است که وحدت پیدا کردند. اگر نبود قضیه وحدت اسلامی، ممکن نبود اجتماع اینها الآن از بچه چند ساله تا پیرمرد هشتاد ساله همه با هم، اینها در این نهضت شرکت دارند و همه با هم در این پیروزی شرکت دارند.^{۱۰}

• شهدا را قلم‌ها می‌سازند و قلم‌ها هستند که شهیدپرورند

اهمیت انتشارات، مثل اهمیت خون‌هایی است که در جبهه‌ها ریخته می‌شود. «مدادالعلماء افضل من دماء الشهداء». دماء شهدا اگر چه بسیار ارزشمند و سازنده است، لکن قلم‌ها بیشتر می‌توانند سازنده باشند و اصولاً شهدا را می‌سازند و قلم‌ها هستند که شهیدپرورند. از این روست که شما باید به ارزش کار خود توجه داشته باشید و بدانید هر عملی که ارزشش بیشتر باشد، مسئولیتش سنگین‌تر است.^{۱۱}

• نقش مطبوعات در تربیت جامعه و انعکاس آرمان ملت

نقش مطبوعات در کشورها منعکس کردن آرمان‌های ملت است. مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت و جوانان را تربیت می‌کنند و آرمان ملت را منعکس می‌کنند. در مملکتی که آن همه خونریزی شد و آن همه ملت ما خون دادند تا اینکه یک جمهوری اسلامی موافق آرا اکثریت قریب به اتفاق محقق شد و دست خائنین کوتاه گردید و دست چپاولگران قطع شد، اگر مطبوعات بخواهند باز به پشتیبانی از جنایتکاران و خیانتکاران چیزی بنویسند، این مطبوعات ما نیست، این خیانت است. باید مطبوعات آنچه ملت می‌خواهند بنویسند، نه آنچه برخلاف مسیر ملت است. مع‌الاسف در بعضی از مطبوعات چیزهایی که برخلاف مسیر ملت است و برخلاف آمال جامعه ملت است، منعکس می‌شود و ما تاکنون به مسامحه رفتار کرده‌ایم و من امیدوارم که مطبوعات را خود صاحبان مطبوعات اصلاح کنند.^{۱۲}

• مطبوعات باید یک مدرسه سیار و

یک بنگاه هدایت باشند

وضع کشور را در گذشته دیدید که چگونه بود، تمام چیزها در جهت اسلام‌زدایی بود. خصوصاً مطبوعات که وضعی داشتند که اگر مهلت پیدا می‌کردند طولی نمی‌کشید که همه چیز را از بین می‌بردند. امیدوارم با همت آقایان همه آن انحرافات از بین برود.

مطبوعات باید یک مدرسه سیار باشند تا مردم را از همه مسائل به‌خصوص مسائل روز آگاه نمایند و به‌صورتی شایسته از انحرافات جلوگیری کنند و اگر کسی انحرافی دید با آرامش در رفع آن بکوشد. به طور کلی مطبوعات باید یک بنگاه هدایت باشند، یعنی به‌صورتی که اگر دست مردم بیفتد مردم هدایت شوند، به‌خصوص روزنامه‌هایی مثل اطلاعات و کیهان و جمهوری اسلامی و آزادگان. باز تکرار می‌کنم دنبال این نباشند که من از شما تشکر کنم. تقدیر و تشکر من فانی است و از بین می‌رود. آنچه باید همگی در نظر بگیریم رضای حق تعالی است و آنچه وظیفه من است دعاست. امیدوارم موفق و مؤید باشید.^{۱۳}

• نقش رسانه‌ها و مطبوعات در معرفی اسلام واقعی و پذیرش فطرت‌های سالم

ما که می‌گوییم اسلام را ما می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچو چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آنکه ما می‌توانیم این است که می‌توانیم به وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به وسیله همین صداوسیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که در خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد شد. بشر فطرتش یک فطرت سالم است. اگر یک چیزی را القا بکنند، روی فطرت سالم خودش قبول می‌کند و قدرتمندها از همین معنا می‌ترسند. بنابراین ما یک وظیفه بسیار بزرگ بر عهده داریم. نه ما تنها، همه مسلمان‌ها و نه شما تنها، همه قشرهایی که در ایران و در خارج ایران هستند و متعهد به اسلام هستند، وظیفه بزرگی داریم و آن اینکه اسلام را آن طوری که هست، آن طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است، آن طوری که در روایات و در قرآن ما هست، آن طور به مردم ارائه بدهیم و به دنیا ارائه بدهیم و همین خودش از هزارها توب

و تانک بیشتر می‌تواند مؤثر باشد. آن چیزی که با ارشاد حاصل بشود، قلب مردم را برمی‌گرداند و این کار، این هنر از اسلام می‌آید و این هنر از احکام اسلام می‌آید، نه با یک توپ و تانک بخواهد کار بکند، او نمی‌تواند کاری بکند و شما می‌بینید که با این که قدرت‌های بزرگ دارای آن قدرت‌ها هستند، هر روز در دنیا دارند شکست می‌خورند.^{۱۴}

• تربیت انسان‌های متفکر و شجاع برای دفاع از آزادی و استقلال کشور

این نویسنده‌های ما، این گوینده‌های ما، این متفکرین ما، اگر بیدار شدند، حالا باید همه چیز فرمش تغییر بکند. مجله باید در خدمت کشور باشد، خدمت به کشور این است که تربیت کند، جوان تربیت کند، انسان درست کند، انسان برومند درست کند، انسان متفکر درست کند تا برای مملکت مفید باشد. مجله باید وقتی کسی بخواند، ببیند، اگر عکس دارد، عکسی باشد که تهییج کند برای این که مقابله با دیگران بکند. اگر مطلبی دارد، مطلبی باشد که بسیج کند این را برای حفظ استقلال خودش، برای حفظ آزادی خودش، برای حفظ مملکت خودش. اگر مجله، این مجله است، مجله اسلامی است و مجله جمهوری اسلامی.

اگر مجله همان مسائل سابق است منتها حالا یک خرده تخفیفش داده‌اند لکن باز هست، اگر آن باشد نباید اسمش را مجله جمهوری اسلامی گذاشت، باید اسمش را مجله طاغوتی گذاشت.^{۱۵}

• مطبوعات و رسانه‌ها مربی جامعه هستند

اگر مطبوعات متحول بشود و ان‌شاءالله می‌شود و شده است متحول بشود به یک مراکزی که بخواهند تقوا را در جامعه منتشر کنند، وقتی جوان‌ها و بچه‌های تازه‌رس‌ها وارد می‌شوند در میدان فعالیت اجتماعی، بروند دنبال روزنامه. روزنامه مربی باشد، گوش کنند به رادیو، رادیو مربی باشد، نگاه کنند به تلویزیون، تلویزیون مربی باشد، نگاه کنند به مجلات، مجلات، مجلاتی باشد که تربیت بکند، این جوان وقتی که به هر جا توجه کرد، دید که گوش و چشمش پر شده از تربیت، این طور بار می‌آید. اگر رها بشود، هرزه، بار می‌آید؛ اگر بکشندش در طرف فساد می‌رود. آن طرف و اگر بکشندش در طرف صلاح، می‌آید این طرف.^{۱۶}



آنکه ما می‌توانیم
این است که
می‌توانیم
به وسیله
دستگاه‌هایی که
داریم، به وسیله
همین صداوسیما،
به وسیله
مطبوعات، به
وسیله گروه‌هایی
که در خارج
می‌روند، اسلام
را آن‌طوری که
هست معرفی
کنیم. اگر آن
طوری که هست
معرفی بشود،
مورد قبول همه
خواهد شد.

مجله می‌خواهد بنویسد باید مجهز باشد که این نسل آینده را تربیت کند. برای نسل آینده فکری بکنید. اسلام همه نسل‌ها را مکلف می‌داند. پیغمبر اسلام مکلف بودند برای همه نسل‌ها. همچنین ما مکلفیم که برای نسل‌های آینده کار کنیم. باید تربیت ما از اولاد، در خانه و دبستان و دبیرستان‌ها باشد.^{۱۸}

• تشویق اشخاص فعال و مبتکر باید

اساس کار مطبوعات و رسانه‌ها باشد

رادیو، تلویزیون و مطبوعات مال عموم است. چنانچه شما هم همین اعتقاد را دارید که عموم بر آنها حق دارند از این جهت من به سهم خود خیال دارم که راجع به من کم باشد، مگر در مواقع حساسی که لازم است که آن هم باید از ما سؤال شود که آیا مطلبی را باید نقل بکنند یا خیر؟ والا آنچه خوب است در رادیو، تلویزیون و مطبوعات باشد، آن است که برای کشور اثری داشته باشد. مثلاً اگر زارعی خوب زراعت کرد و زراعتش خوب بود، شما این شخص را به جای مقامات کشور در صفحه اول بگذارید و زیرش بنویسید این زارع چگونه بوده است، این منتشر بشود، و یا کارمندی خوب کار کرد، و یا اگر طبیعی عمل خوبی انجام داد، عکس او را در صفحه اول چاپ کنید و بنویسید که این عملش چطور بوده است. این باعث تشویق اطبا می‌شود و بیشتر دنبال کار می‌روند. یا مثلاً اگر کسی کشفی کرد، باید مفصل با عکس و مطلب باشد یا اگر کسی سارقی را دستگیر نمود، و یا یک کشاورز و یا هنرمند و یا جراح که متأسفانه نه اسمشان است و نه عکسشان! در حالی که اینها لایقند تا در روزنامه‌ها مطرح شوند.

خلاصه، باید اساس تشویق، اشخاصی باشند که در این کشور فعالیت می‌کنند؛ اینها به کشور حق دارند، به این روزنامه‌ها حق دارند، به رادیو تلویزیون حق دارند. ولی ماها نسبت به آنها حقمان کم است. البته، آنچه من می‌گویم راجع به خودم است. به دیگران هیچ کاری ندارم، آنها اختیاراتش با شما و با خود آنهاست. من میل ندارم. رادیو هر وقت باز می‌شود اسم من باشد. مدت‌هاست که از این جهت متنفرم، این کار غلطی است، به اندازه متعارف نسبت به همه خوب است زیاده‌اش مضر است. این به ضرر مطبوعات است و مطبوعات را سبک می‌کند. اشخاص، شخصیت‌هایشان با خودشان است،

• مطبوعات و تربیت نیروی انسانی

مفید

آنکه از همه خدمات‌ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مطبوعات است، مجله‌هاست، رادیو تلویزیون است، سینماهاست، تئاترهاست. اینها می‌توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد و می‌توانند مثل رژیم سابق باشند که همه چیز به‌هم‌ریخته بود و همه چیز در خدمت استعمار بود. آنها خودشان هم نمی‌دانستند، خیلی‌ها خودشان نمی‌دانستند، نمی‌دانست که این عکس که از این زن لخت می‌اندازد چند تا جوان را آشفته می‌کند، از بین می‌برد. در هر هفته‌ای که یک مثلاً مجله‌ای درمی‌آید که در آن ده تا عکس گذاست، این چند نفر از جوان‌های ما را از دست ما می‌گیرد. یا خودشان هم متوجه نبودند یا خودشان هم از آنها بودند، ما چه می‌دانیم. اگر خودتان را متحول کردید، کشورتان را هم می‌توانید نجات دهید، اگر به همان حال باشید و اسمتان را عوض کردید، با اسم نمی‌تواند یک کشوری اداره بشود، با لفظ، با لفظ جمهوری اسلامی، با رأی به جمهوری اسلامی نمی‌تواند یک مملکتی اسلامی بشود. مملکت اسلامی محتوایش باید اسلامی باشد. شما هم که مجله می‌نویسید می‌توانید خدمت کنید، جوان‌ها را برومند کنید با مقالاتتان، مقالات صحیحتان، دنبال این باشید که از نویسنده‌های متعهد اسلامی و انسانی نیرو بگیرید، مقالات صحیح بنویسید، درد و دوایش را بنویسید، همه چیز را انتقاد کنید.^{۱۷}

• مسئولیت مطبوعات در هدایت

جوانان

باید جوان‌های ما، نسل فعلی، نسل آینده را تربیت کنند... باید مجله راه بیندازد که وقتی جوان‌ها باز می‌کنند شکل و صورت و عکس‌های مجله و تیتراهای مجله طوری باشد مقابل آنکه پنجاه سال ما را به نابودی کشید. شما باید جبران آن خرابی پنجاه سال را بکنید. پنجاه سال جامعه ما هر مجله‌ای را باز کردند و یا گوش به رادیو و تلویزیون دادند همه انحرافی بود، همه برای این بود که از جوان‌ها مبادا جوان صحیحی ساخته شود، که خداوند به داد شما رسید و مسائل جهش پیدا کرد. اینها دنبال این هستند که انقلاب را برگردانند به جای اولش. هر کس

کار بیندازید، گفتار را در راه خدمت به مستضعفین و اعمال را در خدمت به مستضعفین.^{۲۱}

• توجه به خواست ملت

باید ببینیم زبان ملت چیست تا بفهمیم که این ملت چه می‌خواهد. خودمان بخواهیم که حکم بکنیم که این ملت ما فلان چیز را می‌خواهد، این حرف غلطی است، حرف صحیح این است که ما مطالعه کنیم، در حال ملت، گوش بدهیم به صدای ملت. ببینیم چه می‌خواهد؟

یک ملتی که همه فریاد می‌زنند که ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم «نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی» ما دیگر حق نداریم که بنشینیم بگوییم که نه، این ملتی که قیام کرده‌اند، برای این قیام کرده‌اند که دموکراسی باشد، در اسلام همه چیز هست به معنای سالمش. اما ما می‌بینیم که همه مردم دارند می‌گویند که ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم، ما حق نداریم که تأویل کنیم و بنشینیم خودمان هر چه دلمان می‌خواهد بگوییم که نه‌خیر، مردم که این حرف‌ها را دارند می‌زنند، یک چیز دیگر را ما، گردنشان بگذاریم. این خلاف واقع است.^{۲۲}

• نقش مطبوعات در برچیدن مراکز

فحشا

اگر مطبوعات جوان‌ها را نکشاند به طرف فحشا و ببرد طرف صراط مستقیم، مراکز فحشا هم برچیده می‌شود.^{۲۳}

• حفظ قلم برای جلوگیری از تفرقه

لازم است جوان‌های متعصب و طلاب تازه‌کار از زبان و قلم خود جلوگیری کنند و در راه اسلام و هدف مقدس قرآن از اموری که موجب تشتت و تفرقه است، خودداری نمایند.^{۲۴}

• بیان خدمات جمهوری اسلامی در

مطبوعات

از مسائلی که در مطبوعات لازم است این است که مقداری از اوراق خودشان را صرف این کنند که جمهوری اسلامی چه کرده است. شما می‌بینید که الان آن اشخاصی که می‌خواهند به جمهوری اسلامی صدمه بزنند، راه افتاده‌اند که این رژیم هیچ کاری نکرده است و این همان رژیم شاهنشاهی است و فرقی با رژیم شاهنشاهی ندارد. حتی بعضی از نویسندگانی متعهد مسلمان که آدم‌های صحیح و باسوادی هستند شرح مفصلی نوشته‌اند راجع به این که جمهوری اسلامی حالا هم، همان کارهای سابق

این‌طور نیست که اگر اسمشان زیاد و کم مطرح گردد، شخصیشان زیاد یا کم شود...

بنابراین، آنچه راجع به خودم می‌گویم این است که اگر قرار است عکس مرا بگذارید، به جای آن، عکس یک رعیت را بگذارید و زیرش بنویسید این رعیت چه کار مهمی کرده است.^{۱۹}

• روزنامه‌ها باید مال طبقه سوم باشد

باید با اخبار مردم را تعلیم کرد و باید اخبار به صورتی باشد که مفید باشد. باید کاری شده باشد تا اخبار باشد. آن اشخاصی که در اطراف ایران زحمت می‌کشند، وقتی خبرشان را دادید تشویق می‌شوند. این‌طور نیست که همه‌اش کار کنند و چه بنویسند و چه ننویسند، فرقی نکند.

ما مکلفیم تا افراد را در هر رشته تشویق کنیم تا امثالشان زیاد شود. اگر مطلبی از این طبقه‌ها در روزنامه‌ها آمد، روزنامه‌ها آبروی خوبی پیدا می‌کنند. روزنامه‌ها مال طبقه سوم است، مال طبقه اول نیست و این هم نیست که همه‌اش مال حکومت باشد و از چیزهای حکومتی بنویسند،

باید ببینیم زبان ملت چیست تا بفهمیم که این ملت چه می‌خواهد. خودمان بخواهیم که حکم بکنیم که این ملت ما فلان چیز را می‌خواهد، این حرف غلطی است، حرف صحیح این است که ما مطالعه کنیم، در حال ملت، گوش بدهیم به صدای ملت. ببینیم چه می‌خواهد؟

این صحیح نیست. به نظر من روزنامه‌ها برای همه مردم است و همه مردم در آن حق دارند و می‌شود گفت که گاهی جای دیگران غصب می‌شود، البته بدان معنای غصب نه! ولی نظیر آن این عرض من است.^{۲۰}

• خدمت به مستضعفین

ای قشرهای روشنفکر و ای قشرهای نویسندگانه! قلم‌ها و گفتار خودتان را در راه این مستضعفین صرف کنید. ای دانشمندان ما! ای دانشجویان ما! ای فرهنگیان ما! ای دانشگاهیان ما! اجتماعات خودتان را برای راه این مستضعفین تقویت کنید. شما بودید که این همه خدمت کردید و این همه خون دادید و این همه حبس رفتید و این همه زجر کشیدید برای خلاصی از یوغ دشمنان، خلاصی از چپاولگری چپاولگران. نگذارید زحمات خودتان هدر برود، قلم‌ها را در راه خدمت به این خلق به

را می‌کند. اینها نگاه نمی‌کنند ببینند حالا چه شده است.^{۲۵}

• لزوم قدردانی از مردم و مأمورین مبارزه با خرابکاری

اگر در رژیم سابق یک خانه تیمی کشف می‌شد، می‌دانید که چه هیاهویی راه می‌انداختند؟ امروز چه؟ من این را یک ظلم می‌دانم که فرزندان عزیز ما این‌گونه شبانه‌روز کار کنند و در رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها فقط چند کلمه بگویند و رد بشوند. همین، فقط گفته شود که چه شد، بدون تشکر از مردم ما که با مأمورین همکاری داشتند و بدون تشکر از تمام دست‌اندرکاران. امروز پاسداران عزیز ما برای کشف خانه‌های تیمی آن همه گذشته می‌دهند تا خانه‌ای کشف شود و محل فساد از بین برود، من از آنها تشکر می‌کنم.^{۲۶}

• آموزش راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه

رسانه‌های گروهی به ویژه صداوسیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی، می‌توانند خدمت‌های گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاه‌هایی که شب و روز ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صداوسیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلم‌ها و هنرهای آموزنده باید همت گمارند و بیشتر کار کنند و از گرداندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه، وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند.^{۲۷}

• بسیج ملتها برای اخراج ستمگران از صحنه

در این دنیای مسموم که نفس کشیدن در آن مرگ تدریجی است، تکلیف ملتها در بند این ابرقدرت‌ها و انگل‌های آنان چیست؟ باید بنشینند و این صحنه‌ها را تماشا کنند و با سکوت مجال دهند که دنیا در آتش بسوزد؟ آیا روحانیون، نویسندگان، گویندگان، روشنفکران، متفکران از هر ملت و مذهب که هستند، در این زمان تکلیفی انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی ندارند و باید نقش تماشاگر را در کشورهای خود ایفا

کنند؟ و یا آنکه باید این سران و سردمداران با گفتار و نوشتار خود، ملت‌های مظلوم دربند را بسیج کنند تا ستمگران را از صحنه خارج نمایند و حکومت را به دست مستضعفان بسپارند؟ چونان که در ایران با همت ملت بزرگوار شد.^{۲۸}

• مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای

باید برای آتیه دنیا، امروز توده‌های مردم، نویسندگان، گویندگان، فکر بکنند و مردم را آگاه بکنند به این خطری که تمام بشریت را تهدید می‌کند. آگاه کنند همه توده‌های دنیا را که این خطر بزرگی است و اگر این ابرقدرت‌ها در این حالی که هستند و مشغول تهیه سلاح‌های بزرگ اتمی و غیر آن هستند، به‌همین حال باقی باشند. دنیا ممکن است که به خرابی بکشد و عمده ضررش به ملتها برسد.

باید هر کس در هر جا هست، نویسنده‌هایی که هستند، روشنفکرانی که هستند و علمایی که

قلم‌ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتد، مسلسل‌ها کنار می‌رود و اگر برای خدا و برای خلق خدا نباشد، مسلسل‌ساز می‌شود.

در همه قشرهای دنیا هستند و دانشمندان، مردم را به این خطر آگاه کنند تا بلکه خود مردم و توده‌های مردم در مقابل این دو قدرت بایستند و این سلاح‌ها را جلوگیری کنند. و اینکه زمزمه این هر وقت شده است و می‌شود، مدت‌ها در این حرف هست که می‌خواهیم تهدید این سلاح‌های اتمی را بکنیم و می‌خواهیم تفاهم کنیم به اینکه این سلاح‌های اتمی با موشک‌های عظیمی را که تازه درست شده است، جلوی این را بگیریم؛ هر دوی اینها شر است و آمریکا هم همین نظر را دارد که شوروی را اغفال کند و آن سلاح‌ها را در غرب و در هر جایی که دست دارد، این سلاح‌ها را مهیا کند برای یک روزی که با فشار یک دگمه، دنیا به آتش کشیده بشود.

امروز باید مردم دنیا توجه به این مشکل بزرگ دنیا بکنند و هر قشری، نویسنده‌ای، مطبوعاتی،

در سرتاسر دنیا دنبال این مطلب باشند و مردم را بیدار کنند که در مقابل این کارهایی که اینها می‌کنند، درست قیام کنند. البته کم و زیاد آن هستند قشرهایی که تظاهر می‌کنند بر ضد این سلاح‌ها. لکن باید همه مردم قیام کنند تا بتوانند کاری انجام بدهند.^{۲۹}

• صرفه‌جویی در وقت و بیت‌المال

مطبوعات باید این توجه را داشته باشند که چیزهایی که برای ملت مفید نیست در روزنامه‌ها ننویسند، کاغذ صرف این نکنند، وقت صرف این نکنند. باید رادیو و تلویزیون توجه به این معنا داشته باشد که این از بیت‌المال مسلمین است، باید وقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین است، نشود؛ مسئولیت دارد اینها.^{۳۰}

• نشریات مفید و اصلاح اخلاق جامعه

نشریه بسیار خوب است؛ در صورتی که محتوای آن محتوای آموزنده باشد و دست‌اندرکاران آن متعهد باشند. این نشریه رأس همه امور می‌شود. انسان اگر انصاف داشته باشد، باید به خاطر مردمی که قلم‌ها را برای اینها آزاد گذاشته‌اند، از قلم و قدمش استفاده کند و دیانت هم اقتضای همین را می‌کند. ما باید نشریاتمان مفید باشد و اخلاق جامعه را اصلاح کنیم.^{۳۱}

• اهل قلم به جامعه امید بدهند

آنهایی که اهل فکرند، اهل قلمند، آنهایی که صالحند، این صلحا باید بنشینند و در صدد این باشند که امید بدهند به این جامعه. این مردم احتیاج به امید دارند. دیگران دارند اینها را ناامید می‌کنند. دیگران می‌گویند که همه به هم ریختند اصلاً مملکتی نیست اینجا، مایی که باید همه کوشش کنیم به اینکه نه‌خیر نظامی هست اینجا و این نظامی است که بهتر از نظام‌های دیگری است.^{۳۲}

• همه نویسندگان مکلفند به حفظ نظام

من به همه اشخاصی که قلم در دستشان است و زبان گویا دارند می‌خواهم سفارش کنم که متوجه باشند که قلم آنها، زبان آنها در حضور خداست. فردا مؤاخذه دارد، صحبت، سر دولت و ریاست جمهور و اینها نیست، صحبت سر نظام است، نظام اسلام است؛ مطرح نظام جمهوری اسلامی است، ما مکلفیم به حفظ او، همه نویسندگان مکلفند به حفظ نظام.^{۳۳}

• رسالت خطیر رسانه‌های گروهی در حفظ آرامش کشور

ما الآن در ایران احتیاج به آرامش داریم. اگر ما بخواهیم که این نهضت پیروز بشود، باید آرامش این مملکت را حفظ بکنیم. باید همه قشرها متوجه باشند که آرامش را حفظ کنند، نباید به جان هم بریزند، ارشاد باید بکنند. تلویزیون باید ارشاد بکند، رادیو باید ارشاد بکند، روزنامه‌ها باید ارشاد بکنند. روزنامه‌ها نباید یک چیزهایی را که موجب تهییج مردم است و موجب انحراف مردم است در آنجا بنویسند. رادیو نباید این کار را بکند، باید ارشاد بکنند و در عین حال مردم را متوجه به این بکنند که ما دشمن داریم و دشمن دنبال این است که تشنج پیدا بشود. باید از تشنج‌ها جلوگیری کرد و باید آن اشخاص منحرف را ارشاد کرد و اگر ارشاد نشدند، آنها را منزوی کرد، بی‌اعتنایی کرد به آنها. هر دفعه‌ای که شما یک‌طوری بکنید که با شدت رفتار کنید، آنها مظلومیت به خودشان می‌دهند و برای ما ضرر دارد. باید هم مسائل را گفت و هم آرامش را حفظ کرد، هم مطالب را مردم بدانند، گویندگان باید بگویند، و هم آرامش را باید حفظ بکنند.^{۳۴}

• رسالت تاریخی نویسندگان و شعرا

امروز تکلیف همه شما آقایانی که از خارج تشریف آوردید، شعرا، شما، نویسندگان شما، گویندگان شما، این است که شعرا در اشعارشان قضایای این انقلاب را منعکس کنند، اگر توانستند در مجامع عمومی و اگر نتوانستند حتی در مجامع خصوصی هم محفوظ بمانند برای نسل‌های آتی‌های که فرزندان‌شان الآن بعضی‌شان از کوچولو‌هایی که در ۲۲ بهمن متولد شده‌اند و آنهایی که در طول تاریخ می‌آیند.

باید مردم جهان را و مستضعفان جهان را آگاه کنید. آگاه کنیم به اینکه چه مصیبتی بر اینها وارد شده است و در تحت چه شرایطی زندگی می‌کنند و آنان که به آنها حکومت می‌کنند، تحت چه شرایطی هستند و وضع زندگی مالی‌شان چطور است. و آنهایی که از دولت‌های اسلامی هستند، ذخایر خودشان را به کجا خرج می‌کنند و در جیب کی می‌ریزند. در عین حالی که ملت‌های آنها گرسنه هستند، ملت‌های آنها فقیر هستند و بسیاری از آنها از گرسنگی تلف شدند و اینها ذخایر خودشان را، ذخایری که مال خود این ملت است و آنها غاصب هستند. به جای اینکه برای

ملت خودشان ولو عسری از اعشار آن را خرج می‌کردند و اینها به رشد می‌رسیدند، تمامش را تسلیم می‌کنند به آنهایی که دشمن اسلامند.

شعرا در طول تاریخ باید بنویسند این امور را و به شعر، مردم را بیدار کنند و نویسندگان اگر می‌توانند در نطق‌ها و نوشته‌های خودشان، در مجامعی که می‌روند در شهرهای خودشان، در کشورهای خودشان مسائل ایران را ابلاغ کنند و اگر نمی‌توانند در کتب و رساله‌های خودشان ثبت کنند که بعدها وقتی که مردم در نسل‌های بعد می‌آیند، ببینند که دشمن‌های آنها کی هستند و دوستان آنها کی و تکلیف آنها با دوستانشان و دشمنان‌شان چیست.

اگر ما در تبلیغ قصور کنیم؛ اگر ما در گفتن و نوشتن شعر و نثر و همه نحو نوشتن و گفتن قصور کنیم. ما مدیون نسل‌های آینده هستیم که ممکن بود با نوشته‌های شما، با نوشته‌های نویسندگان عزیز و با اشعار آنها، بیدار بشوند و مطلع بشوند بر اینکه بر این ملت‌ها در این زمان چه گذشته است و ماها چه تحمل رنج‌ها کردیم، بلکه آنها درصدد علاج برآیند، و امروز نیز ما باید درصدد علاج برآئیم.

همه شما و همه ملت‌های ضعیف دردها را می‌شناسند، می‌دانند که از کجا صدمه می‌بینند و کی به آنها صدمه می‌زند و چه رژیمی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد و درمان را باید بدانند که تا جهان، مبتلا به این جنایتکاران است و وابستگان به این جنایتکاران، روی خوش نخواهد دید.^{۳۵}

پی‌نوشت‌ها:

۱. پیام به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲/۱۱/۲۲.
۲. بیانات در جمع کارکنان روزنامه **کیهان**، ۱۳۵۸/۲/۸.
۳. بیانات در جمع گروهی از کارکنان صنایع دفاع، ۱۳۶۱/۱۰/۲۶.
۴. بیانات در جمع کارکنان **کیهان**، ۱۳۶۰/۳/۱۲.
۵. بیانات در جمع اعضای هیئت تحریریه مجله **سروش**، ۱۳۵۹/۱۰/۱۵.
۶. بیانات در جمع مسئولان نهضت سوادآموزی، ۱۳۵۹/۱۰/۶.
۷. بیانات در جمع مسئولان نهضت سوادآموزی، ۱۳۵۹/۱۰/۶.
۸. بیانات در جمع مسئولان نهضت سوادآموزی، ۱۳۵۹/۱۰/۶.
۹. بیانات در جمع مسئولان نهضت سوادآموزی، ۱۳۵۹/۱۰/۶.

۱۰. بیانات در جمع اعضای کانون نویسندگان ایران، ۱۳۵۷/۱۱/۳۰.
۱۱. بیانات در جمع مسئولان و نویسندگان دایره انتشارات سپاه پاسداران، ۱۳۶۱/۲/۸.
۱۲. بیانات در جمع کارکنان **کیهان**، ۱۳۵۸/۲/۲۶.
۱۳. بیانات در جمع اعضای شورای سرپرستی روزنامه **اطلاعات** و نماینده امام در این روزنامه، ۱۳۶۲/۵/۲۶.
۱۴. بیانات در جمع مدیران و کارکنان سازمان صداوسیما سراسر کشور، ۱۳۶۲/۱۲/۹.
۱۵. بیانات در جمع کارکنان مجله **خواندنی‌ها**، ۱۳۵۸/۴/۱۴.
۱۶. بیانات در جمع کارگران، نویسندگان و کارمندان مؤسسه **اطلاعات**، ۱۳۵۹/۶/۵.
۱۷. بیانات در جمع مسئولان و کارکنان مجله **خواندنی‌ها**، ۱۳۵۸/۴/۱۴.
۱۸. بیانات در دیدار با سرپرست بنیاد شهید و خانواده شهید مازندرانی، ۱۳۶۰/۴/۴.
۱۹. بیانات در جمع مسئولان روزنامه‌های **کیهان**، **اطلاعات** و جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۴/۱۰.
۲۰. بیانات در جمع مسئولان روزنامه‌های **کیهان**، **اطلاعات** و **جمهوری اسلامی**، ۱۳۶۴/۴/۱۰.
۲۱. بیانات در جمع دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۵۸/۸/۱۳.
۲۲. بیانات در جمع شورای پنج نفری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸/۷/۲۹.
۲۳. بیانات در جمع کارگران، نویسندگان و کارمندان مؤسسه **اطلاعات**، ۱۳۵۹/۶/۵.
۲۴. پیام به ملت ایران، ۱۳۴۳/۸/۴.
۲۵. بیانات در جمع اعضای هیئت تحریریه مجله **سروش**، ۱۳۵۹/۱۰/۱۵.
۲۶. بیانات در دیدار با وزیر کشور و معاونان و استانداران، ۱۳۶۱/۱۰/۱.
۲۷. بیانات پیام به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۳/۱/۲۲.
۲۸. پیام به مناسبت شهادت شش تن از اعضای خانواده آیت‌الله‌العظمی حکیم، ۱۳۶۲/۳/۲۸.
۲۹. بیانات در جمع اعضای شوراهای اسلامی روستاهای سراسر کشور، ۱۳۶۱/۸/۱۳.
۳۰. بیانات در جمع رئیس‌جمهور و سایر مقامات مملکتی و... به مناسبت عید غدیر خم، ۱۳۶۴/۶/۱۳.
۳۱. بیانات در جمع کارکنان نشریه **عروة الوثقی**، ۱۳۶۰/۳/۱۱.
۳۲. بیانات در جمع نمایندگان مجلس و اعضای هیئت دولت، ۱۳۵۹/۱۱/۴.
۳۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و هیئت دولت به مناسبت هفته دولت، ۱۳۶۵/۶/۸.
۳۴. پیام به مناسبت نیمه شعبان خطاب به ملت ایران، ۱۳۵۹/۴/۷.
۳۵. بیانات در جمع مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر، ۱۳۶۱/۱۱/۲۱.